

امتحان در ساعت صفر



در چنین لحظات حساسی که در حال نزدیک شدن به ساعت صفر آن هستیم، مردمانی را می بینیم که از حق دور هستند، ولی کم کم شروع به نزدیک شدن به آن می کنند تا آنجا که گویی در آن داخل می شوند، و عده ای دیگر که در قلب دایره حق هستند، کم کم شروع به دور شدن از آن می کنند، تا آنجا که گویی از آن خارج می شوند؛ و همین طور مردمانی را می بینیم که در قعر دره قرار دارند، ولی ذره ذره شروع به بالارفتن از قله می کنند و کسانی دیگر که خود را در قله می بینند شروع به فرود آمدن از آن می کنند تا آنجا که در اعماق، ساقط می شوند

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن علیه السلام، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پایه پنجم

فهرست

- ۳..... اهمیت کتاب و کتاب خوانی
- ۵..... قصه کودکی محمد ﷺ
- ۷..... زنگ خطر به ایمان داران
- ۹..... کودک و حقوق او
- ۱۱..... چرا حق با داروین بود؟
- ۱۵..... بررسی شبهات جعلی اهل سنت
- ۱۷..... مهم ترین عمل بعد از ایمان
- ۱۹..... دامن تو



هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۱۴، جمعه ۲۸ آبان ۱۴۰۰،
۱۳ ربیع الثانی ۱۴۴۳، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
المرسلين

اهمیت کتاب و کتاب خوانی



انسان می شود؛ اما یادمان باشد همیشه در مقابل مثبت منفی هم قرار دارد.

گاهی مطالعه نه تنها سودمند نیست، بلکه باعث ظلمانی شدن و انحراف روح و جسم انسان می شود؛ به همین دلیل است که باید برای هر کاری حتی مطالعه اهداف روشن و مثبتی داشته باشیم تا بر روح و روان نتیجه ای شگفت انگیز داشته باشد.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

«نعم المحدث الكتاب» «کتاب نیکو گوینده ای است.» (غرر الحکم، ج، ۶ ص ۱۶۷)

کتاب و کتاب خوانی دو واژه ای هستند که بسیار قابل تأمل و مهم است؛ زیرا کتاب ها می توانند همانند رسانه بر مسیر انسان تأثیر بسزایی داشته باشند.

این انسان است که تصمیم می گیرد در کدام وادی سیر

از دیرباز تا به امروز انسان همیشه برای تکامل و ارتقای خود نیاز به مطالعه و بیشتر دانستن را در خود احساس می کند.

اهمیت مطالعه از روزهای اول زندگی و کودکی و در محیط خانه و خانواده شروع می شود.

دین مبین اسلام هم به کتاب و کتاب خوانی مرتبط و پیوسته است، و معجزه آن کتاب (قرآن کریم) است.

حتی کسانی که برای رد مطالعه و کتاب خوانی بخواهند با مردم صحبت کنند باز هم باید کتاب بخوانند تا بتوانند دلیلی بر کلام خودشان ارائه دهند. در هر صورت چه برای مهر تأیید بر کتاب خوانی زدن و چه رد کردن موضوع کتاب خوانی بایستی همواره انسان با کتاب مأنوس باشد و حقیقتی وجود دارد که جهان بدون کتاب نخواهد بود. مطالعه کردن باعث بیداری ذهن و پرورش افکار و دیدگاه

سید احمد الحسن علیه السلام:

در ابتدای غیبت، امام علیه السلام نواب، سفیران یا باب هایی داشت؛ هر طور که می خواهی آن ها را نام بگذار؛ مهم این است که آن ها جماعتی از مؤمنان مخلص بودند که مأموریتشان رساندن نامه های مؤمنان و مسائل شرعی شان به امام علیه السلام، و رساندن پاسخ های امام علیه السلام به آن ها و نیز توجیهات آن حضرت علیه السلام به مؤمنان بود.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)

کند؛ آخرت یا دنیا؟!

سید احمد الحسن علیه السلام می فرماید:

«دنیا نسبت به آخرت دو هوویی هستند که به هیچ وجه با یکدیگر در قلب یک انسان جمع نمی شوند، و در دو جهت مخالف یکدیگر قرار دارند؛ به طوری که اگر انسان به یکی از آن ها توجه کند به دیگری پشت کرده است. چنین امکانی وجود ندارد که انسان دنیا و آخرت را در چشم یا قلبش یک جا گرد آورد. حق تعالی می فرماید:

(مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ) (هرکس کشت آخرت را بخواهد برایش بر کشته اش می افزاییم و هرکس کشت دنیا را بخواهد از آن به او عطا می کنیم، ولی دیگر او را در آخرت نصیبی نیست). (جهاد درب بهشت، ص ۱۴)

پس بهوش باشیم که چه کتابی انتخاب می کنیم و

هدفمان از کتاب خوانی چیست. یادمان باشد که خداوند هم به محمد صلی الله علیه و آله دستور داد بخوان و محمد صلی الله علیه و آله این گونه به خدای خود مناجات می کرد:

(رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا) (پروردگارا! بر علم من بیفز). (طه، ۱۱۴)

و حتی به اوصیا و اولیای خود الواحی می داد و می فرمود الواح را بخوانید و مردم را به سمت نور هدایت کنید.

(وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مُوعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخَذَهَا بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ قَوْمَكِ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا...) (انواع اندرزها را در الواح نوشتیم و همه چیز را بیان کردیم، آن را به جد بگیر و به قومت بگو که نیکوترش را عمل کنند). (اعراف، ۱۴۵)

اینجاست که متوجه می شویم مطالعه چقدر مهم است و نه تنها نتیجه ای بر بُعد جسمانی دارد، بلکه بُعد روحانی انسان با مطالعه کردن (علوم اهل بیت علیهم السلام) به درجه والایی دست پیدا می کند.

مولایمان فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام می فرمایند:

بخوانید، جست و جو کنید، دقت کنید، بیاموزید و خودتان حقیقت را بیابید. به هیچ کس تکیه نکنید تا برای آخرت شما تصمیم بگیرد، که فردا پشیمان خواهید شد در حالی که پشیمانی سودی نخواهد داشت. (سید احمد الحسن، خطبه محرم)

بر نداشته و اخلاصی در کار نبوده است.

حال به راستی زمانی که خواندیم چگونه فردی عامل باشیم؟

شما را دعوت می کنیم به خواندن و مطالعه علوم قائم آل محمد صلی الله علیه و آله. قدر این کتاب های نورانی را بدانیم و از این الماس های بی نظیر ملکوتی نهایت استفاده را ببریم.

آری عزیزانم بخوانید اما خواندن به تنهایی کفایت نمی کند و انسان بعد از خواندن مطالب باید به سمت عمل کردن پیش برود؛ به همین دلیل گفتیم نوع کتاب و هدفی که از کتاب خوانی داریم باید مشخص باشد و اگر خواندن بدون عمل کردن باشد، در واقع انسان وقت خود را صرف جسم خود کرده و برای پرورش روح خود قدمی

سید احمد الحسن علیه السلام:

این بنده صالح [امام مهدی علیه السلام] برای برپایی قسط و عدل در زمین و بردن کلمه «لا اله الا الله» محمد رسول الله صلی الله علیه و آله به سوی همه اهل زمین ذخیره شده است و خداوند سبحان او را از بین

همه فرزندان آدم علیه السلام برای این مهم انتخاب فرمود.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)



قصه کودکی

صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ

محمد

(رده سنی ۵ تا ۱۵ سال)



همسر عبدالله آمنه بود. خدا می خواست به عبدالله و آمنه یه نوزاد بده، و اونا خیلی خوشحال بودن؛ اما قبل از اینکه بچه شون به دنیا بیاد عبدالله از دنیا رفت ... (بعد از اینکه عبدالله از دنیا رفت، عبدالمطلب از عروشش مراقبت کرد تا نوزادش به دنیا بیاد).

چند ماه گذشت تا اینکه! یه روز جمعه اون نوزاد زیبای دوست داشتنی به دنیا اومد.

بعد خانم ها با خوشحالی عبدالمطلب رو صدا کردن و نوزاد رو دادن دستش. پدربزرگ تا اونو دید با خوشحالی بغلش کرد و اونو به سمت خونه خدا برد و براش کلی دعا کرد و از خدای مهربون برای دادن این کودک زیبا تشکر کرد.

بعد، عبدالمطلب اسم این کودک زیبا و دوست داشتنی رو محمد گذاشت. (محمد یعنی ستوده)

از طرفی آمنه، مادر این کودک اون رو احمد صدا می کرد. عزیزای دلم توی اون روزگار، مردم شهر مکه و حتی عالمی و دانشمندای اون زمان منتظر به دنیا اومدن یه پیامبر بزرگ بودن؛ چون پیامبرای قبل مثل حضرت موسی و

به نام خداوند بخشنده مهربون، خداوند آب و آتش و آسمون

سلام به شما بچه های مهربون احمدی، گلای باهوش دوست داشتنی.

بازم با یک قصه شیرین اومدیم پیشتون. یکی بود یکی نبود، زیر آسمون آبی خدا مردم زیادی زندگی می کردن.

توی شهر مکه هم که خونه خدا اونجاس، خانواده های زیادی زندگی می کردن.

یکی از اون خانواده ها، خانواده عبدالمطلب بود.

بچه های عزیزم! توی اون زمان بیشتر مردم شهر مکه بت ها رو می پرستیدن؛ یعنی مجسمه هایی از سنگ و چوب رو درست می کردن و اون ها رو عبادت می کردن.

اما بچه ها خانواده عبدالمطلب و تعداد کمی از مردم، بت ها و مجسمه ها رو نمی پرستیدن. اونا خدای یکتا رو عبادت می کردن.

نوجوونای عزیز، عبدالمطلب فرزندان و نوه های زیادی داشت. یکی از پسرای ایشان اسمش عبدالله بود و اسم

سید احمد الحسن علیه السلام:

از عظمت جایگاه امام مهدی علیه السلام همین بس که در احادیث بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب های اهل سنت و شیعه آمده است که عیسی علیه السلام پشت سر او علیه السلام نماز می خواند و یکی از وزیران او خواهد بود.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)



قوی و نیرومند بشه، اونو با خودش به روستاشون برد. محمد علیه السلام کم کم بزرگ شد و صحبت کردن رو از خانواده حلیمه یاد گرفت؛ تا جایی که زبان عربی رو به درستی و زیبایی صحبت می کرد.

حضرت محمد علیه السلام وقتی بزرگ تر شد دید که بچه های حلیمه گوسفندا رو به چرا می برن تا غذا بخورن. ایشون هم با اینکه کودک بود از حلیمه اجازه گرفت تا توی این کار به بچه ها کمک کنه.

تا اینکه حضرت محمد علیه السلام پنج ساله شد و حلیمه ایشون رو به مادر عزیزش آمنه سپرد.

چند سال بعد هم محمد علیه السلام خانوادش رو از دست داد؛ یعنی اول مادرشون و بعد پدر بزرگشون رو؛ برای همین پیش عموش ابوطالب زندگی کردن.

ایشون قبل از خوردن غذا، «به نام خدا» می گفت و غذا رو به آرومی و بدون عجله می خورد و برعکس بعضی بچه های هم سنش که خیلی پرخوری می کردن، ایشون به اندازه غذا می خورد و بعد از اینکه غذاش تموم می شد خدا رو شکر می کرد.

حضرت محمد علیه السلام هیچ وقت دروغ نمی گفت و اگه کسی چیزی پیشش نگه می داشت اون رو صحیح و سالم به صاحبش می رساند؛ برای همین مردم اونو خیلی دوست داشتن و بهش می گفتن «محمد امین»؛ یعنی محمد امانت دار.

بچه های عزیزم، حضرت محمد علیه السلام از همون کودکی مثل خانوادش خدا رو می پرستید و از بت ها و مجسمه ها بدش می اومد و می گفت اونو فقط سنگ و چوبن و سنگ و چوب هیچ قدرتی از خودشون ندارن و مردم باید اونو رو جابه جا کنن. این بت ها هیچ کاری نمی تونن انجام بدن و هیچی نمی تونن به ما بدن؛ پس اونو نمی تونن خدای ما باشن!

در صورتی که خدای ما به کسی نیازی نداره و قدرتش از همه بیشتره و کلی نعمت به ما داده... پس اونه که خدای ماست. خدای یکتایی که ما و همه این جهان رو آفریده.

حضرت محمد علیه السلام با این حرف ها نشون می داد که خیلی داناست؛

برای همین خانوادش اونو خیلی دوست داشتن و ازش مراقبت می کردن تا بزرگ بشه و مردم رو بیشتر راهنمایی کنه.

بچه های عزیزم، امیدوارم قصه کودکی حضرت محمد علیه السلام رو دوست داشته باشید.

حضرت عیسی به مردم وصیت کرده بودن که بعد از اون ها پیامبر بزرگ و مهربونی به دنیا میاد که همه مردم رو نجات میده و علم و چیزای زیادی به مردم یاد میده. اما بچه ها مردم اون زمان نمی دونستن که این کودک دوست داشتنی همون پیامبری هست که همه پیامبرا خبر اومدنش رو داده بودن ... فقط عبدالمطلب فهمید که محمد علیه السلام یه پیامبره.

می دونید از کجا فهمید؟

از روی نشونه ها و اخلاق ها و رفتارهایی که بعدها از حضرت محمد علیه السلام می دید؛ همچنین از طریق رؤیاهایی که می دید فهمید که ایشون یه پیامبر هست. برای همین ایشون رو خیلی دوست داشت و همیشه بهش احترام می داشت.

اما گلای احمدی، اون موقعی که حضرت محمد علیه السلام به دنیا اومد اتفاقای جالب زیادی افتاد؛ مثلاً همه بت ها و مجسمه ها با صورتشون رو زمین افتادن، همه پادشاهای دنیا اون روز ساکت شدن و تاجشون از رو سرشون به زمین افتاد.

می دونید چرا بچه ها؟

چون خدا حضرت محمد علیه السلام و بچه هاش رو انتخاب کرده بود تا اونا پادشاه دنیا باشن. آخه خدا، پادشاه دنیا رو انتخاب می کنه تا اونا مردم رو راهنمایی کنن.

برای همین، اون روز پادشاهایی که به زور حاکم شده بودن تاجشون از رو سرشون افتاد.

شیطان و دوستای بدجنسش خیلی از تولد پیامبر علیه السلام ناراحت بودن؛ چون می دونستن با اومدن این پیامبر علیه السلام دیگه نمی تونن مردم رو زیاد گول بزنن؛ چون دیگه حضرت محمد علیه السلام راه درست رو بهشون نشون میده و اونو رو راهنمایی می کنه.

نوگلای احمدی، حضرت محمد علیه السلام وقتی به دنیا اومد فقط چند روز از مادرش شیر خورد و دیگه اصلاً از مادرش شیر نخورد.

برای همین خانواده ایشون برای حضرت محمد علیه السلام دایه ای گرفتن تا به اون شیر بده.

(دایه به زنایی میگن که به نوزادان شیر میدن و ازشون مراقبت می کنن)

دایه حضرت محمد علیه السلام هم حلیمه بود. حلیمه زن دانا و مهربونی بود. حلیمه برای اینکه محمد علیه السلام مریض نشه و

سید احمد الحسن علیه السلام:

در خصوص زندگانی امام مهدی علیه السلام، ایشان پیش از غیبت، تقریباً پنج سال را با پدرش امام حسن عسکری علیه السلام گذراند. ایشان علیه السلام طبق برخی روایات در روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ ق متولد شد، و غیبت او همراه با اولین روز امامتش آغاز گردید؛ روز نهم ربیع اول ۲۶۰ ق. (سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)



زنگ خطر برای ایمان داران



در این زمان که زمان های آخر است، برای هر ایمان داری حتمی و نزدیک است.

انجیل متی، فصل ۲۴، آیات ۹ و ۱۰:

(آنگاه شما را شکنجه داده، خواهند کشت و تمام دنیا از شما متنفر خواهند شد، زیرا شما پیرو من هستید. بسیاری از ایمان خود برخوانند گشت و یکدیگر را تسلیم کرده، از هم متنفر خواهند شد).

کتاب مقدس بارها به موضوع سقوط و از دست دادن نجات پرداخته، و نسبت به آن هشدار داده است. مَثَل چهار زمین در کلام عیسی مسیح یکی از این موارد است:

انجیل لوقا، فصل ۸، آیات ۴ تا ۱۵:

(و چون گروهی بسیار فراهم می شدند و از هر شهر نزد او می آمدند، مثلی آورده، گفت: «برزگری به جهت تخم کاشتن بیرون رفت و وقتی که تخم می کاشت، بعضی بر کناره راه ریخته و پایمال شد و مرغان هوا آن را خوردند، و پاره ای بر سنگلاخ افتاده، چون رویید از آن جهت که رطوبتی نداشت خشک گردید، و قدری در میان خارها افکنده شد که خارها با آن نمو کرده، آن را خفه نمود، و بعضی در زمین نیکو پاشیده شده، رویید و صد چندان ثمر آورد.» چون این بگفت ندا در داد که هر که گوش شنوا دارد بشنود. پس شاگردانش از او سؤال

در کتاب مقدس با شخصیتی عبرت آموز روبه رو می شویم. کسی که شاگرد عیسی و مهم تر اینکه برگزیده ایشان است:

انجیل یوحنا، فصل ۶، آیات ۶۶ تا ۷۰:

(در همان وقت بسیاری از شاگردان او برگشته، دیگر او را همراهی نکردند. آنگاه عیسی به آن دوازده گفت: «آیا شما نیز می خواهید بروید؟» شمعون پطرس به او جواب داد: «خداوند نزد چه کسی برویم؟ کلمات حیات جاودانی نزد توست؛ و ما ایمان آورده و شناخته ایم که تو مسیح پسر خدای حی هستی.» عیسی بدیشان جواب داد: «آیا من شما دوازده را برگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیسی است.»)

یهودا اسخریوطی خائن همان شاگرد ابلیسی مدت ها در محضر عیسی تعلیم دید و حتی از سوی ایشان به عنوان رسول برگزیده شد که به روستاهای گوناگون برود و خدمات بشارتی انجام دهد و آموزه های ایشان را به مردم ابلاغ کند؛ اما در نهایت به مولای خود خیانت کرد و او را تسلیم دشمنانش نمود.

عاقبت این شاگرد ابلیسی، بزرگ ترین زنگ خطر برای هر ایمان داری است که مبادا خود را تا همیشه ثابت قدم در عقیده اش بداند و سقوط را از خود دور انگارد. یهودا برگزیده و رسول عیسی بود، پس خطر ابلیس به خصوص

سید احمد الحسن علیه السلام:

اما شیعه دوازده امامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه می کردند و امامی پس از امامی دیگر را پیروی می کردند، تا اینکه امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینی خدا در زمینش به خاتم اوصیا، امام محمد بن الحسن المهدی علیه السلام رسید.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)



با مطالعه کتاب مقدس درمی یابیم که صبر بزرگترین سلاح در برابر وسوسه های ابلیس و سربازانش است و نجات با صبر ممکن خواهد بود:
انجیل متی، فصل ۱۰، آیه ۲۲:

«و به خاطر اسم من، جمیع مردم از شما نفرت خواهند کرد؛ لیکن هرکه تا آخر صبر کند، نجات یابد».

فرستاده عیسی مسیح - احمد الحسن - نیز بارها به اهمیت جایگاه صبر به منظور حفظ ایمان تأکید کرده اند:

«به خدا سوگند اگر صبر پیشه کنید و با چنگ و دندان به دینتان محکم چنگ زنید، همه خیر دنیا و آخرت را شاهد خواهید بود و دشمن شما جز شر در دنیا و آخرت نخواهد دید و خداوند آن ها را خوار و ذلیل خواهد کرد و در دنیا و آخرت زیان کار خواهند بود» (پاسخ های روشن گرانه، جلد ۶، پرسش ۵۸۰)

واضح و روشن است که برای هر ایمانی آزمایشی خواهد بود و تنها کسانی در این امتحان پیروز می شوند که بر آزار و شکنجه و گرفتاری های دنیا و مشکلات مالی که در راه حفظ ایمان به انسان می رسد، صبر پیشه کنند.

یاری دادن

احمد الحسن علیه السلام در یکی از سخنان خود به این غریب اشاره فرمودند:

«یاری دادن دعوت مهدوی و ثبات قدم بر یاری حقیقی، موهبتی عظیم، عطایی بزرگ و توفیقی است الهی؛ و از این توفیق بهره مند نمی شود مگر کسی که صبر پیشه کند، و از این توفیق بهره مند نمی شود مگر کسانی که از بهره های عظیم برخوردار بوده باشند؛ به همین دلیل غریبی که آل محمد (صلوات خدا بر آنان) بیان فرموده اند وجود دارد.» (کتاب پیک صفحه، ص ۴۹۳)

در پایان از خداوند سربلندی در تمامی آزمایشات الهی را می خواهیم تا با دلی سرشار از ایمان و یقین در محضر پسر انسان - احمد الحسن - حاضر شویم.

انجیل لوقا، فصل ۲۱، آیه ۳۶: (پس در هر وقت دعا کنید و بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابید و در حضور پسر انسان بایستید).

نموده، گفتند معنی این مثل چیست؟ ... [گفت] اما مثل این است که تخم کلام خداست و آنانی که در کنار راه هستند کسانی اند که چون می شنوند، فوراً ابلیس آمده، کلام را از دل های ایشان می رباید، مبدا ایمان بیاورند و نجات یابند؛ و آنانی که بر سنگلاخ هستند، کسانی اند که چون کلام را می شنوند، آن را به شادی می پذیرند و این ها ریشه ندارند؛ پس تا مدتی ایمان می دارند و در وقت آزمایش، مرتد می شوند؛ اما آنچه در خارها افتاد کسانی اند که چون شنوند، می روند و اندیشه های روزگار و دولت و لذات آن ایشان را خفه می کند و هیچ میوه ای به کمال نمی رسانند؛ اما آنچه در زمین نیکو واقع گشت کسانی اند که کلام را به دل راست و نیکو شنیده، آن را نگاه می دارند و با صبر، ثمر می آورند).

آیات ۱۳ و ۱۴ به کسانی اشاره می کند که کلام خدا را می پذیرند و از آن استقبال می کنند، اما در نهایت مرتد می شوند و از آن رو برمی گردانند.

اما نکته قابل تأمل در کتاب مقدس این است که آن هایی که پس از ایمان به فرستادگان خداوند به ایشان خیانت کرده و آن ها را انکار می کنند، از همان اول از ایمان داران حقیقی نبوده اند و خود را در صف پیروان حجت های الهی جا داده بوده اند و پس از مدتی به هر دلیلی خارج می شوند.

رساله اول یوحنا، فصل ۲، آیات ۱۸ و ۱۹:

(ای بچه ها، این ساعت آخر است و چنانکه شنیده اید که دجال می آید، الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده اند و از این می دانیم که ساعت آخر است. از ما بیرون شدند، لکن از ما نبودند، زیرا اگر از ما می بودند با ما می ماندند؛ لکن بیرون رفتند تا ظاهر شود که همه ایشان از ما نیستند).

جای کوچک ترین شک و تردیدی نیست که دعوت های الهی با خروج این افراد، نه متوقف و نه از ایمان داران حقیقی خالی می شود. این افراد باید بروند تا اخلاص و وفای یاران جدید جایگزین ریاکاری و ایمان ظاهری آنان شود.

یهودای خائن سرور خود را به دشمنانش فروخت و پس از آن از کرده خود پشیمان شد و خود را به دار آویخت؛ اما طولی نکشید که متیاس جایگزین او شد و در نهایت جان خود را در راه گسترش تعالیم عیسی از دست داد.

حال که از هشدارهای کتاب مقدس در ارتباط با سقوط و از دست دادن ایمان گفتیم، شایسته است که از راه نجات نیز سخن بگوییم.

سید احمد الحسن علیه السلام:

سپس کسانی از علمای اهل سنت در زمان غیبت کبری آمدند و اعتراف کردند به اینکه امام مهدی علیه السلام همان امام دوازدهم از ائمه اهل بیت علیهم السلام است، و اینکه او زنده و از نظرها پنهان است؛ همانند خضر علیه السلام.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)



کودک و حقوق او



گاهی اوقات پیش می آید که مادری بین شیر دادن نوزادش و نماز خواندن تعارض می بیند. در این هنگام چه کند؟ نظر سید احمد الحسن علیه السلام را می شنویم:

پرسش: بسیاری مواقع دو واجب با هم تعارض پیدا می کنند؛ مثل مادری کردن، نظیر آرام کردن، شیر دادن و توجه به کودک و محافظت بر نماز اول وقت. گاهی زن در تنگنای زمانی میان برآوردن نیازهای کودک شیرخوارش و به جا آوردن فریضه واجب در اول وقتش قرار می گیرد؛ در این صورت این زن چه باید بکند و کدام یک را پیش اندازد؟

پاسخ: کسی که چیزی را می خواهد خود را برای به دست آوردنش مهیا می کند؛ بنابراین اگر زنی بخواهد به عنوان مثال نماز ظهر را در اول وقتش به جا آورد و ترس آن دارد که کودک شیرخوارش همان موقع از او شیر بخواهد، می تواند به عنوان مثال نیم ساعت پیش از داخل شدن به وقت نماز، بچه را شیر بدهد، و به همین ترتیب سایر امور [را مدیریت کند]؛ اما در صورتی که تعارضی پیش آید، ابتدا باید کودک شیرخوارش را آرام کند سپس به نمازش پردازد؛ چرا که اگر زن چنین نکند

به مناسبت روز جهانی کودک، در نظر داریم احکامی را بیان کنیم که وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام سید احمد الحسن علیه السلام بیان فرموده است. خاطر نشان می کنیم، ایشان در بیانات مختلفی به حقوق کودکان اشاره دارد و از آن دفاع می کند. امید است، روزی برسد که به هیچ کودکی ستم نشود و حقوق آنها ادا شود. ایشان در سؤال و جوابی، نسبت به نگهداری حیوانات، به مناسب بودن آن برای آزار ندیدن کودکان اشاره دارد و می فرماید:

پرسش: آیا نگهداری مار به عنوان حیوان اهلی در خانه جایز است؟ آیا حیواناتی وجود دارند که نگهداری از آنها به عنوان حیوان اهلی در خانه مجاز نباشد یا به غیر از سگ، نجس باشند؟

پاسخ: نگهداری حیوان اهلی در خانه جایز است. نگهداری از پرندگان، ماهیان و لاک پشت ها برای دفع آسیب برخی از جن های آسیب رساننده، مخصوصاً از کودکان، مستحب است. نگهداری از سگ برای نگهبانی، چوپانی یا شکار جایز است. (پاسخ های فقهی (مسائل متفرقه)، جلد ۲، پرسش ۷۴)

سید احمد الحسن علیه السلام:

اهل سنت هنگامی که از اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله روی گردانیدند و احادیث آنها را ترک گفتند، در شبهه ای گرفتار شدند مبنی بر اینکه آن حضرت علیه السلام در آخر الزمان به دنیا خواهد آمد؛ با اینکه اعتراف می کنند او از فرزندان علی و فاطمه علیها السلام است.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)

نیاز معینی دعا کند و هنگامی که احساس کند نیازش برآورده شده است ارتباطش با خدا قوی می شود و ایمان آرام آرام در قلبش رسوخ می کند.

خدا را در همه چیز به یاد آن ها بیاورید؛ به عنوان مثال هنگامی که با هم درگیر می شوند به یکی از آن ها بگویید: با برادر یا خواهرت به نرمی رفتار کن تا خداوند تو را مثل انبیا -سلام و صلوات خداوند بر آن ها- قرار دهد؛ و این گونه اخلاق پاک را در جان هایشان زنده و در عین حال کمال طلبی را نیز برایشان احیا کنید.

اگر یکی از آن ها کار خوبی کرد به عنوان مثال نماز خواند یا طاعتی انجام داد به او تبریک و سخن نیکو بگویید و بگویید: خداوند به تو عطا می کند، تو را مبارک می دارد و در حضور ملائکه اش از تو یاد می کند.

همچنین می توانید برنامه روزانه برای آن ها تنظیم کنید؛ مثلاً یک ساعت یا نصف ساعت برای حفظ سوره های کوچک قرآن؛ به این صورت که هر روز آن ها به دنبال شما بخوانند و به مرور سوره ها را حفظ خواهند کرد.

برای کودکان بالای ده سال برنامه هفتگی تنظیم کنید؛ مثلاً سه یا چهار روز اجازه بازی نداشته باشند و حتی اگر به آن ها اجازه ورود به اینترنت یا سرگرمی های غیردرسی می دهید برای امور علمی یا تاریخی یا خواندن کتاب یا خواندن موضوعات مخصوص درسی شان یا خواندن داستان های انبیا و ائمه علیهم السلام و شبیه آن ها باشد. به این ترتیب با توجه و تنظیم زمان آن ها نتیجه خوبی از آن ها حاصل می شود؛ اما با کوتاهی کردن، چه بسا منحرف شوند و شما زیان ببینید و در این صورت، زیان شما بزرگ خواهد بود. متأسفانه بسیاری از پدران مهاجر که دور از سرزمین های عربی زندگی می کنند با کوتاهی کردن در آموزش دادن آن ها به زبان عربی و خواندن و نوشتن آن، در حق فرزندان خود بدی می کنند؛ در حالی که آن ها می توانند هر روز ساعتی از وقتشان را برای آموزش زبان عربی به فرزندان خود -که در خواندن امور دینی شان و اطلاع از جزئیاتش به آن احتیاج دارند- صرف کنند و گمان نمی کنم کار مشکلی باشد؛ زیرا در زمانه ما کتاب ها و روش های آموزش اینترنتی به وفور یافت می شود و دسترسی به آن ها به آسانی امکان پذیر است. (پاسخ های فقهی، (مسائل متفرقه)، جلد ۳، پرسش ۱۴۸)

سید احمد الحسن علیه السلام در جاهای دیگری از کتبشان نیز در خصوص کودکان مباحثی دارند و شما را به مطالعه کتب ایشان دعوت می کنیم.

چه بسا در میان نمازش، فکرش مشغول کودک شیرخوار بی قرارش می شود. پاسخ های فقهی (مسائل متفرقه)، جلد ۳، پرسش ۱۸)

همچنین سؤالی که ذهن والدین را بسیار به خود مشغول کرده، این است که در زمانه ای که لهو و لعب بسیار شده، چگونه فرزندانمان را تربیت کنیم؟ چگونه آن ها را به جای برنامه های تلویزیون -که سودی ندارد و چه بسا مضر هستند- متوجه قرآن کنیم؟ چگونه حسین و عباس و زینب علیهم السلام را در دل آن ها جای دهیم؟

چگونه آن ها را از خطرهای رهایی بخشیم؟ خطرهایی مثل تکبر، منیت و چیزهای دیگر. وظیفه مادر برای اینکه فرزندش حسینی و شیعه حقیقی شود چیست؟ بهترین راه تعامل با کودکان چیست؟ سید احمد الحسن علیه السلام پاسخ می دهد:

« تربیت صحیح، واجبی است که والدین متحمل ادای آن هستند. درباره اموری مثل بازی یا مشاهده تلویزیون یا حتی اینترنت و بازی های کامپیوتری و نظایر آن ها، بر والدین واجب است که مراقب فرزندان شان باشند و آن ها را از امور فاسدکننده بازدارند؛ مثلاً وقتی بچه برای بازی به سراغ اینترنت می رود باید زیر نظر والدینش باشد، ولی جایز نیست که او را از بازی یا کارهای کودکان بازدارند؛ چراکه این کار در بزرگسالی تأثیراتی به دنبال خواهد داشت.

به علاوه بعضی از بازی ها جنبه آموزشی دارند. می توان کودک را به سمت بازی های مفید هدایت و تشویق کرد؛ مثلاً می توان او را به بازی های فکری یا بازی های حل معماهای هندسی یا شبیه آن ها تشویق نمود. بسیاری از کودکان چنین توانایی هایی را دارند و این کار در نهایت منجر به تکامل گسترده قدرت عقلی آن ها می شود؛ به علاوه این بازی ها می توانند باعث بازداشتن نوجوانان از فکر کردن به امور فاسد دیگر شوند.

می توان به کودک یا نوجوان، تحقیق کردن را آموخت تا یاد بگیرد و توانایی هایش ارتقا یابد. والدین می توانند او را به تحقیق درباره مباحث معین علمی یا امور مربوط به زندگی روزانه یا تاریخی تشویق کنند؛ اما در خصوص امور دینی، به عنوان مثال کودک را وادار به بیشتر از نماز جماعت همراه با والدینش نکنید. آرام آرام او را تشویق کنید که دو رکعت نماز به تنهایی بخواند و در آن برای رفع

سید احمد الحسن علیه السلام:

از نظر مسلمانان مهدی علیه السلام از ضروریات دین است، و انکارکننده او، انکارکننده پیامبری محمد صلی الله علیه و آله است؛ چراکه یاد او به تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله چه از طریق اهل سنت و چه از طریق شیعه، آمده است.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)

چرا حق با داروین بود؟



جزئیات می تواند باعث ایجاد تناقضات ظاهری در عقول مختلف شود. حال اگر مسئله زمان را هم به میان آوریم و بخواهیم سخنی جاودانه گفته باشیم تنها راه حل برای این مسئله تا حد امکان خروج از مسائل قراردادی و توضیح حقایق به صورت مثالی است. این قضیه به حدی جدی است که هنگام خواندن قرآن و کتاب مقدس می بینیم به کرات از مثال های مختلف استفاده شده و در خود متن هم تأکید می شود که این مثالی است برای قشر خاصی از مردم که دارای صفات حسنه مشخصی هستند و انجیل نیز پر است از امثال حکمت آموز.

ولی اگر این کتب مقدس برای مثال از همان اول بر اساس فیزیک کوانتوم سخن می گفتند - که بشر در همین قرون اخیر به حقایق آن پی برده است - تکلیف انسان های قبل چه می شد؟ همچنین تکلیف انسان ها بعدتر که به حقایقی فراتر از سطح قوانین کوانتوم

بشر از همان روزی که شروع به تفکر کرده، همیشه برایش سؤال بوده است که این جهان چگونه به وجود آمده و خودش و حیوانات و جمادات چگونه خلق شدند. برخی اوقات تلاش او برای دانستن حقایق دنیا به دلیل افزایش امکانات زندگی و کسب قدرت بود و برخی اوقات نیز برای حل اینکه آمدن او به دنیا از برای چه و از کجا بوده است.

هرکس و هر گروهی از متفکرین بر اساس بستر علمی و فکری که در افکار خود تشکیل داده بودند شروع به توضیح و توجیه رویدادهای پیرامون خود کردند و البته پیامبران الهی نیز اصلی ترین نقش را در توضیح و توجیه این مسائل داشته اند؛ ولی مشکل همیشگی در هنگام صحبت کردن و آموزش برای تمام گروه های مردم با عقل و درک متفاوت این است که سخن باید دارای نظم خاصی باشد که حقیقت اصلی و کلی گفته شود و ورود به

سید احمد الحسن علیه السلام:

دنیا و آخرت، هر کدام فرزندان خود را دارد؛ کسی که حق را برگزیند، مرگ را در آغوش گرفته، به سوی آخرت رهسپار می شود و هیچ هراسی ندارد از اینکه به مرگ برسد یا مرگ او را دریابد؛ و آن کس که باطل را برگزیند، بر زندگانی حریص می شود و دنیا را بندگی می کند.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)

این فجایع در صنف‌ها و جنبه‌های مختلفی نمود پیدا می‌کنند؛ به‌طوری که اشخاص بلندپایه دینی با رانت مقدسات که از طریق نام خدا و پیامبران و متون الهی برای خود ایجاد می‌کنند، به خود اجازه ورود به هر مسئله تخصصی و غیرتخصصی که هیچ علمی درباره آن ندارند می‌دهند؛ چه در مسائل سیاسی، حکومتی و اجتماعی، چه در عرصه علوم مختلف. خوشبختانه برخلاف عرصه سیاست، حکومت و اجتماعی، عرصه علم دارای قطعیت و روشنایی بیشتری است که نمی‌توان در آن اعمال قدرت کرده و بدون رسوایی از آن خارج شد؛ برخلاف مسائل دیگر که اکثراً با توجیهات مختلف می‌توان این رسوایی‌ها را بین عوام‌الناس روپوشانی کرد.

رسیده‌اند؟ آیا خود آموزش این علوم در همان دوران با وجود محدودیت‌هایی که بوده، امکان‌پذیر بود که حال برخی علم‌زده‌گان با توسل به علوم نوین به تمسخر متون مقدس می‌پردازند؟ آیا درک و فهم و روحیات مردم همه اعصار یکی است؟ آیا اصلاً هدف دین رواج اخلاق حسنه و ایمان به خداوند بود یا آوردن تکنولوژی که با افزایش آن بدون وجود اخلاق، آسیب انسان به خودش و دنیا بیشتر و بدتر می‌شود؟ از طرفی دیگر این ویژگی استفاده از الفاظ مثالی و مجمل و کلی متون الهی با اینکه نقاط قوت بسیاری به آن‌ها می‌بخشد، ولی هنگام تسلط افراد ناشایست به مقام دینی و همراهی اکثریتی ناآگاه، می‌تواند فجایع بسیاری به بار آورد که در تاریخ شاهد آن هستیم.

یکی از این برخوردهای جاهلانه به کشفیات علمی که توسط علمای غیرعامل انجام گرفت، برخورد کلیسای کاتولیک با گالیلئو گالیله بود. کسی که اثبات کرد زمین به دور خورشید می‌چرخد و کلیسا نیز به دلیل مغایرت این نظریه با تفسیر خود از کتاب مقدس، با او برخورد کرده و او را محکوم به حبس خانگی کرد.

جدال پرسروصدای دیگر نیز در همین قرون اخیر زاده شد و آن هم نظریه تکامل بود که توسط چارلز داروین مطرح شد و جنجال بسیاری به پا کرد؛ به‌طوری که همچنان بین مذهب‌یون و علم‌گراها و ملحدین و ندانم‌گراها تبدیل به یک میدان نبرد بسیار پرسر و صدا شده است که در این بحث‌ها اکثراً این گروه مذهبی است که به دلیل مخالفت با تکامل مغلوب می‌شود.

جدال

جانداران با کالبدشناسی انطباقی و فسیل‌شناسی روزبه‌روز اکتشافات بیشتری به دست می‌آوردند که نشان می‌داد جانداران مختلف در ساختار خود دارای ارتباط عمیقی با گونه‌های منقرض شده بودند و بررسی‌های علمی این موضوع را تأیید می‌کرد که همگی آن‌ها در انتها به یک نیای مشترک می‌رسیدند.

این نظریه در آغاز با بررسی شواهد موجود در فسیل‌ها و سپس بررسی آناتومی موجودات زنده حال حاضر و تطبیق بین آن‌ها توسط چارلز داروین مطرح شد و سپس زیست‌شناسان دیگر نیز همراه با پیشرفت علوم تجربی، شروع به بررسی این موضوع در جنبه‌های مختلف ساختار وجودی حیات کردند. با بررسی دقیق آناتومی

سید احمد الحسن علیه السلام:

امام مهدی علیه السلام، دوازدهمین وصی از اوصیای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، امامی که سال‌های طولانی یادش برده نشده است، حتی در بین شیعیانش؛ همان کسانی که به امامت و جانشینی‌اش برای خداوند در زمینش اقرار دارند.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)



کودکان و حیوانات خود را تربیت می کردند، با همین قاعده در علم پیشرفت می کردند و به یافته های جدید می رسیدند؛ و حتی همین سگ های مختلف با نژادهای بسیار متفاوت را با اهلی کردن و پرورش دادن نوع خاصی از گرگ ها به وجود آوردند.

آیا همین روندی که فرگشت بر اساس آن حرکت می کند که همان انتخاب طبیعی است در خود متون مقدس این مؤمنان نبود؟ آیا صفت قوم برگزیده که هرکدام از گروه مؤمنان به خود نسبت می دادند مطابق با همین انتخاب طبیعی نبود؟ آیا قوم برگزیده این افراد همان قومی نبود که در گذشته با هدایت و یاری خداوند از مهلکه ها و عذاب های مختلف الهی نجات پیدا کردند و هر نسل به نسلی دیگر امتحان شدند و افراد شایسته تر باقی ماندند. ما مثال های بسیاری در کتب مقدس از اصحاب مختلف داریم که نشان می دهد از زمان حضرت آدم علیه السلام تا به حال اقوام هدایت شده دچار چالش های مختلف و رنگارنگی می شدند و همین غربال ها در جمعیت مؤمنین به آن ها لیاقت درک علوم و معارف عمیق خداشناسی را می داد. درست شبیه شروع حیات از فرمی بسیار ساده به صورت تک سلولی تا پیشرفت آن به فرقه ها و گروه های مختلف و در نهایت ظهور انسان که پادشاه بی بدیل حیات وحش شد. آیا همین مؤمنان از صنف های مختلف معتقد نیستند که دارای شرافت و درجه ای بسیار بالا در انسانیت بوده و مقرب ترین بندگان خداوند هستند؟



همین داستان طوفان نوح علیه السلام آیا چیزی جز یک رویداد بر اساس انتخاب طبیعی (قدرت برتر) بود؟ جمعیتی که دارای صفت ایمان بودند، به واسطه آن نجات یافتند و تمامی افراد دارای صفت کافر بودن حذف شدند و منطقه بین النهرین با تمام امکاناتش در بین مؤمنان تقسیم شد.

چندین دهه بعد با بررسی مولکول های DNA و سازوکار وراثت، مکانیسم کامل تکامل مشخص و تبدیل به نظریه ای بی بدیل برای توضیح چگونگی ایجاد شدن جانداران مختلف از نیایی مشترک شد. موتور محرکه این پدیده از خاصیت پویایی مولکول DNA و تغییرات قوانین بقا ساخته شده است که ناشی از محیط زیست یا به طور کلی تر همان قوانین وضع شده از طبیعت و نیز قابلیت وراثت و انتقال اطلاعات از نسلی به نسل دیگر است. در واقع محیط زیست یک جاندار از کوه ها و خاک و سنگ گرفته تا موجودات زنده دیگر هرکدام باعث ایجاد محدودیت ها و فرصت های مختلفی می شوند و می توان به طور کلی این فرصت ها و محدودیت ها را قوانین وضع شده در طبیعت تلقی کرد. حال در مقابل قوانین موجود، این رفتار و صفات آن جاندار است که تعیین می کند آیا آن قانون برای او سود خواهد داشت یا ضرر. این رفتارها و صفات جانداران از ساختار مولکول DNA نشئت می گیرند و مولکول DNA نیز مولکولی پویاست؛ به طوری که در اثر عوامل مختلف در طول زمان تغییرات خاصی را متحمل می شود و جاندارانی با صفات مختلف ایجاد می کند و حال این صفات می توانند به میزان مشخصی نسبت به قوانین موجود در آن محیط زیست مدنظر یک نقطه قوت و سازگار با قوانین حساب شود، یا نقطه ای منفی یا صفتی ناسازگار باشد و در نهایت بر اساس میزان موفقیت در محیط زیست، جاندار می مشخص می تواند خود را برای مدتی زنده نگه داشته و در نهایت ژن های خود را به فرزندانش انتقال دهد و منقرض نشود. چنانچه برآیند میزان هماهنگی و سازگاری این صفات با محیط مثبت باشد این جاندار خواهد توانست بقای خود را حفظ کند و در غیر این صورت از میدان رقابت حذف خواهد شد. این اتفاقات به کرات و به روش های مختلف تکرار می شد و می شود و به مرور زمان سطح به سطح تمامی صفات، منطبق با محیط زیست صیقل داده و وارد سطوح بالاتر می شود و همین رقابت ها باعث ایجاد تنوع های بسیار از یک منشأ یکسان می شود. همین اختراع چرخ را اگر بررسی کنیم می بینیم ما از یک منشأ یکسان، به صنف های مختلفی از وسایل نقلیه با انواع بی شمار در طول تاریخ رسیده ایم.

تکامل حقیقتی بود که در طی تمامی سال های زندگی انسان در جلوی دیدگان او بود؛ ولی شاید به علت جهل به علم ژنتیک و ماهیت DNA، کسی قادر به درک آن نشده بود؛ در حالی که با همین قانون تکامل،

سید احمد الحسن علیه السلام:

تأویل یا تفسیر قرآن را کسی نمی داند مگر خداوند و استواران در علم که آن ها محمد و

آل محمد علیهم السلام هستند.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)



آدم علیه السلام در بهشت که در آسمان یا مکانی غیرمادی است خلق شده است؟
 آیا آن‌ها با توصیفات غیرمعقول از نعمات بهشتی که در متون مقدس هستند متوجه نبودند که قوانین موجود در بهشت متفاوت از قوانین فیزیکی زمین است؟
 آیا آن‌ها نخواندند که آدم و حوا علیهم السلام بعد از عصیان از دستور الهی به زمین تبعید شدند؟
 آیا آن‌ها که همیشه از زندگی پس از مرگ صحبت می‌کنند نمی‌دانستند که یکی از راه‌های برگشت به آن آسمان مدنظر مردن است، نه پرواز کردن؟
 و آیا ندیدند پیامبرانشان به غیر از صعود به آسمان (که بیشتر به جای پرواز شبیه محو شدن بود) (۱) اکثراً می‌مردند و به بهشت می‌رفتند؟ آیا این نشان نمی‌داد که دنیایی که آدم علیه السلام از آن آمده بود با این دنیا فرق داشته است؟

آیا برای عالمان دینی و منکرین تکامل سخت بود درک این موضوع که احتمالاً ساخته شدن نفس انسان از گِل مربوط به ارتباط نفس او به عناصر خاک و آب بوده باشد که در آسمان غیرمادی یعنی بهشت ساخته و پرداخته شده است؟ آیا سخت بود که توضیحات داروین و در حال حاضر زیست‌شناسان تکاملی را با فروتنی و نه غرور گوش می‌کردند تا به حقیقت شهادت دهند؟

خیر! موضوعی سخت نبود برای افرادی که صفر تا صد متون مقدس خود را اکثراً حفظ می‌کردند و نکته‌ای را بدون اینکه بررسی کنند و ساعت‌ها درباره آن در مدارس دینی مباحثه کنند رها نمی‌کردند. ولی تکبر و نخوت و پندار همه چیزدانی این عالمان دینی که با غرور فکر می‌کردند همه اسرار هستی در زیر پهلوی آنان در کتاب مقدس قرار دارد آن‌ها را از فکر کردن و تدبر و اخلاق حسنه و حق‌پذیری دور ساخته بود. چه فرقی دارد صفحات کتاب را حمل کنیم یا شبیه یک نوار کاست یا کارت حافظه مطالب کتاب را در حالی که درکی از آن نداریم حفظ کنیم و همین حمل آن‌ها ما را بفریبد که صاحب علم تمامی اسرار آفرینش هستیم؛ در حالی که ما حمل‌کننده گنجینه‌ای بدون کلید هستیم!

پی‌نوشت:

۱. البته با علم زمان حال ما که میلیاردها کیلومتر آن طرف دنیا را هم می‌بینیم، فعلاً بهشتی پیدا نشده! ثانیاً در فضا قابلیت تنفس وجود ندارد؛ پس قطعاً پیامبرانی مثل خضر و ایلیا و عیسی محو می‌شده‌اند و با پرواز کردن به آسمان مدنظر نمی‌رفتند و منظور از پرواز و رفتن به آسمان منظوری مثالی بوده است.

درست همان چیزی که بعد از برخورد شهاب سنگ به زمین در آخرین دوران دایناسورها اتفاق افتاد؛ یعنی زمانی که پستانداران، موجوداتی حقیر مانند موش بودند که در سوراخ‌ها زندگی می‌کردند و فعالیت‌های شبانه داشتند و به نوعی گروهی مستضعف بودند و دایناسورها که چیزی بین پرندگان و خزندگان بودند، تسلط کامل بر زمین داشتند؛ تا اینکه با برخورد شهاب سنگی بزرگ به زمین، به خاطر تغییرات عمده زیست محیطی به مرور زمان غذا به شدت کم شد و اکثراً موجودات کوچک و نیازمند به غذای کم با بهره هوشی بالا توانستند خود را با محیط بهتر تطبیق دهند و همین باعث تکثیر پستانداران و پرندگان بر روی زمین شد. چیزی شبیه گروه مؤمنان که تمایل کمتری به نعمات زمین داشته و بیشتر بر روی درک و معرفت جهان خلقت تمرکز دارند.

حق

داروین حق داشت و دقیقاً با تحمل سختی‌های چندین سال سفر دریایی مداوم با توقف در نقاط مختلف کره زمین و با تمرکز بر جهان خلقت، تجلی ربانیت الهی را در آفرینش موجودات زنده درک کرده بود و اصلی جهان شمول و سنتی الهی را کشف کرده بود؛ ولی به راستی چگونه برای اکثر علمای ادیان تا همین لحظه قبول کردن چنین امری که اتصال بسیار قوی به آموزه‌های دینی آن‌ها دارد بسیار دشوار است؟

آیا همین مسیحیان که معتقد هستند عیسی علیه السلام خداست و ازلی، یا همین مسلمانان که معتقد به عالم ذر یا مخلوق اول بودن محمد صلی الله علیه و آله قبل از حضرت آدم علیه السلام هستند، ندیدند که هردوی این مخلوقات خداگونه با تولد از مادر به دنیا آمدند؟
 آیا آن‌ها جاهل به این امر بودند که انسان اول یعنی

سید احمد الحسن علیه السلام:

روی گردانیدن از قرآن و سنت؛ این روی گردانیدن، با کم مطالعه کردن قرآن، تفسیرش و تدبر در معانی اش و تحقیق در قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و آل معصوم علیهم السلام صورت گرفته است.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)



بررسی شبهات جعلی اهل سنت



این حدیث به اتفاق و اجماع اهل علم، ساختگی است!
(منهاج السنّه: ۷/۵۲۲)

در صورتی که این حدیث را علمای اهل سنت در تفسیر در کتاب‌های ذیل آورده‌اند:

تفسیر طبری، تفسیر ابن ابی حاتم، تفسیر ابن منذر، تفسیر ابن مردویه، تفسیر فخر رازی، تفسیر زمخشری، تفسیر واحدی و تفسیر سیوطی.

و این حدیث را محدثانی چون ابوبکر بزار، سعید بن منصور، ابونعیم اصفهانی، ضیاء مقدسی، ابن عساکر، ابوبکر هیثمی و ... نیز روایت کرده‌اند. (ر.ک: تفسیرهای نام‌برده سوره الحاقه ذیل آیه ۱۲، مجمع الزوائد: ۱/۱۳۱، حلیة الأولیاء: ۱/۶۷، کنز العمال: ۱۳/۱۳۶، حدیث ۳۶۵۲۵ و ص ۱۷۷. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: دراسات فی منهاج السنّه: ۲۲۵ و ۲۲۶)

و چه در زمان بنی امیه و خصوصاً معاویه حدیث تراشی از پرسودترین حرفه‌ها بود که جیره‌خواران به آن مشغول بودند.

«اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم هدیتم» «اصحابم به‌مانند ستارگان هستند؛ به هرکدام اقتدا کنید هدایت می‌شوید.» خط تولید احادیث در دوره بنی امیه روز به روز داوطلبان را زیادی برای گرم کردن بازار مدح و ستایش پیروان خط شورای سقیفه به خود می‌دید.

در مقابل همه احادیثی که در بیان فضائل امام علی (ع) از رسول خدا (ص) به ما رسیده، دو موضع‌گیری شده است؛ یا اینکه کسانی مانند ابن تیمیّه تمام این فضایل را منکر شده و تشکیک کرده است.

برای نمونه: «اذن واعیه»

درباره علوم و معارف امیرالمؤمنین (ع) روایات بسیاری نقل شده است. ابن تیمیّه به بیشتر روایاتی که در این زمینه نقل شده اشکال کرده و آن‌ها را رد می‌کند؛ برای مثال در آیه شریفه‌ای آمده است:

(وَ تَعِيَهَا أَذُنٌ وَاعِيَةٌ) (گوش‌های هوشمند فراگیر آن‌ها را درک می‌کند) که طبق روایات بسیاری در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است. ابن تیمیّه می‌گوید:

سید احمد الحسن (ع):

اما در خصوص امام مهدی (ع)، روی گردانیدن از ایشان (ع) به وقوع پیوسته است، چه در دوران غیبت صغری و چه در طول غیبت کبری؛ و تقریباً شیعه نیز علاوه بر دیگران، از ایشان یادی نمی‌کنند.

(سید احمد الحسن (ع)، کتاب گوساله، جلد دوم)

اشاره شده است: (وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ...) (و دیگرانی هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با [کاری] دیگر که بد است درآمیخته اند؛ امید است خدا توبه آنان را بپذیرد...).

۳. سوره حجر آیه ۶: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا) (ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید) که مصداق آن در تفاسیر شیعه و اهل سنت ذکر شده است.

۴. آن ها که ادعای اسلام داشتند ولی ایمان در اعماق قلبشان نفوذ نکرده بود، که در آیه ۱۴ سوره حجر به آن ها اشاره شده است:

(قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لِّمَ تُوْمِنُوْنَ وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ)

(([برخی از] بادیه نشینان گفتند ایمان آوردیم. بگو ایمان نیاورده اید؛ لیکن بگوئید اسلام آوردیم؛ و هنوز در دل های شما ایمان داخل نشده است).

۵. افرادی که با روح نفاق در بین صفوف مسلمانان، گاهی به صورت شناخته شده و گاه ناشناخته به سر می بردند و از کارشکنی در امر اسلام و پیشرفت مسلمین ابا نداشتند که در آیه ۱۰۱ سوره توبه به آن ها اشاره شده است:

(وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ)

(و برخی از بادیه نشینانی که پیرامون شما هستند منافق اند، و از ساکنان مدینه [نیز عده ای] بر نفاق خو گرفته اند).

با این ارزشیابی قرآنی می توان به سادگی بر صحت این گونه احادیث خط بطلان کشید و از هدف ایجاد این احادیث باخبر شد.

متأسفانه نظریه پردازان شورا و طرفداران آن ها برای تبرئه کردن غاصبان خلافت دست به هرکاری زدند تا شاید بتوانند ساحت سروران خود را از هر خطا و گناهی مصون بدارند!

ارائه نظریه عصمت صحابه، خلق مکاتب ساختگی، تشکیل مجموعه سلسله رجال حدیث و به کارگیری انواع ترفندها تنها و تنها به این دلیل بود که غصب خلافت از اهل بیت را توجیه کنند و می بینیم حدیث مورد بحث درست در مقابل احادیثی چون «مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینه نوح» است؛ دقیقاً در مقابل حدیث ثقلین است و بطلان آن حتی بدون موشکافی برای طالبان حقیقت روشن است.

به قلم سید علاء علوی

به طور مختصر می توان گفت که مسئله اقتدا به کل صحابه پیامبر ﷺ نه منطقی است و نه از لحاظ تاریخی قابل اثبات است. مگر می شود صرف هم صحبتی با پیامبر ﷺ، این مقام بزرگ هدایت را برای افراد به ارمغان آورد؟!

از طرفی با مراجعه به تاریخ می بینیم پیامبر ﷺ برای برخی افراد امتیازاتی قائل بود و برخی را حتی برای مشورت نمی پذیرفت. کسی مثل علی علیه السلام را باب مدینه علم می داند و فضائل فراوانی را به مناسبت های مختلف یاد می کند.

وروی الخوارزمی عن علقمة والأسود قال: «...سمعنا أبا أيوب الأنصاري يقول: سمعت النبي ﷺ يقول لعمار بن ياسر: تقتلك الفئة الباغية، وأنت مع الحق والحق معك، يا عمار، إذا رأيت علياً سلك وادياً وسلك الناس وادياً غير فاسلك مع علي ودع الناس، فانه لن يدخلك في أذى ولن يخرجك من الهدى (المناقب الفصل الثامن ص ۵۷)

(... ابو ایوب گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که خطاب به عمار، می فرمود: ای عمار! گروهی از بدکاران و ستمکاران تو را می کشند و تو در آن حال، به راه حق قدم گذاشته و حق هم همراه و حامی توست. ای عمار یاسر! هرگاه مشاهده کنی که علی در راهی گام می نهد و دیگران به راه های دیگر قدم می گذارند، تو با علی همراه باش و همان راهی را بپیمای که او پیموده است؛ چراکه او هرگز تو را به راه خلاف نمی کشاند و از راه هدایت هم بیرون نمی سازد).

مگر می شود پیامبر ﷺ اقتدای بدون قید و شرط را از کسی صرفاً به خاطر صحابه بودن دستور دهد؛ چراکه با منطق قرآن سازگاری ندارد.

قرآن کریم، صحابه را به گروه های مختلف تقسیم کرده است.

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۰: (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ). (هم خدا از آن ها راضی بود و هم آن ها از الطاف پروردگار راضی بودند)؛

۲. در سوره توبه، آیه ۱۰۲، به دنبال گروه اول به گروه دیگری

سید احمد الحسن علیه السلام:

این، واضح و آشکار است که اهل سنت، از ائمه علیهم السلام روی گردانیدند و برگرفتن از آن ها و مراجعه کردن به آن ها در مسائل متشابه را ترک گفتند.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)

مهم ترین عمل بعد از

ایمان چیست؟

اهمیت تبلیغ بعد از ظهور یمانی علیه السلام

سید احمدالحسن یمانی علیه السلام در رابطه با وضعیت مردم می فرماید: «امام مهدی علیه السلام، دوازدهمین وصی از اوصیای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، امامی که سال های طولانی پادش برده نشده است، حتی در بین شیعیانش؛ همان کسانی که به امامت و جانشینی اش برای خداوند در زمینش اقرار دارند. او همان مُصلحی است که تمامی بشریت، منتظر قدوم مبارکش هستند؛ مسلمانان و سایرین، شیعیانش و دشمنانش. عده ای منتظر ظهورش هستند تا یاری اش کنند، و عده ای دیگر برای از بین بردن او هنگام ظهور و قیامش در پی زمینه سازی هستند، و چنین می پندارند که می توانند سنت الهی را تغییر دهند!

مؤمنانی برای ظهورش زمینه سازی می کنند و کسانی دیگر برای ظهورش آماده می شوند، و برخی از مسلمین غافل اند و تقریباً چیزی از او نمی دانند، و برخی از شیعیانش یا همان کسانی که مردم آن ها را شیعه او می نامند، او را سمبل و نمادی بیش نمی دانند؛ آن ها از ظهور و قیام او مأیوس شده اند، و این یأس و ناامیدی از کردار آن ها مشخص است؛ حتی اگر به صراحت بر زبان نیاورند.

در چنین لحظات حساسی که در حال نزدیک شدن به ساعت صفر آن هستیم، مردمانی را می بینیم که از حق دور هستند، ولی کم کم شروع به نزدیک شدن به آن می کنند تا آنجا که گویی در آن داخل می شوند، و عده ای دیگر که در قلب دایره حق هستند، کم کم شروع به دور شدن از آن می کنند، تا آنجا که گویی از آن خارج می شوند؛ و همین طور مردمانی را می بینیم که در قعر دره قرار دارند،

با نگاهی به سرگذشت حجت های الهی درمی یابیم که آن ها خود را با تمام وجود وقف تبلیغ دین حق می کردند و هیچ چیز نمی توانست مانع آن ها شود. آن ها هراسی از نمرود و فرعون و حاکمان و عالمان خبیث نداشتند و برای نجات مردم تمام مشقت ها و توهین ها را به جان می خریدند و همواره یاورانی هرچند قلیل آن ها را در این مسیر همراهی می کردند و وجه اشتراک فرستادگان الهی و یاران مقربشان این بود که تحت هیچ شرایطی دست از تبلیغ نمی کشیدند.

چه راز مهمی در تبلیغ خالصانه نهفته است که آدمی با آن به آسمان ها و ملکوت صعود می کند؟

خداوند می فرماید:

(وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...) (و هرکس نفسی را حیات بخشد، مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است...) (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرکس نفس منحرفی را هدایت کند او را زنده کرده و هرکس دیگری را منحرف کند او را کشته است.» (۲)

آری این همان «زندگی رسولانه» و شاه کلید معرفت حقیقی و عروج به سمت پروردگار است.

چه عبادتی می تواند چنین مرتبه ای داشته باشد؟ زبان از تفسیر پاداش هدایت همه مردم قاصر و حتی تصور آن به شدت اغراق آمیز و باور نکردنی است؛ پس هرکس ادعای ایمان حقیقی دارد،

نمی تواند از تبلیغ حق و هدایت مردم زیر نظر حجت خدا شانه خالی کند و سایر عبادات را بر آن ترجیح دهد.

سید احمدالحسن علیه السلام:

اما آنچه همه بنی آدم در آن مشترک هستند، سایه ای از آن عقل، یا همان نفس انسانی است و نه عقل حقیقی. این نفس در عالم ملکوت وجود دارد و آن عالم، همانند عالم شهادت، به طور کامل عالم متناهیات است؛ با این تفاوت که مجرد از ماده است.

(سید احمدالحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)

آیا امر به معروفی بالاتر از رساندن خبر ظهور یمانی علیه السلام و نهی از منکری بالاتر از جلوگیری از غضب حاکمیت خدا؟

زمان را برای تبلیغ از دست ندهید!

سید واثق حسینی یکی از نمایندگان سید احمدالحسن
یمانی علیه السلام، می فرماید: «امام ما می فرمایند: "فرصت ها
همانند ابرها می گذرد پس آن ها را غنیمت شمارید." تمام
عمرمان فرصتی است که باید هر لحظه اش را غنیمت
شماریم. روزی سید احمدالحسن علیه السلام فرمود: "سعی کن
هر لحظه ات را در راه اطاعت خدا به کارگیری."

امروزه این برای ما فرصتی است. حال که اینترنت و
عمل در دسترس است و به لطف خداوند سالم هستی و
مجال و توانایی تبلیغ داری، پس تبلیغ و عمل کن؛ چون
ممکن است روزی اینترنت قطع شود، یا امکان اتصال
به اینترنت نداشته باشی، یا مثلاً سلامتی نداشته باشی یا
عمر تمام شود؛ مسئله فقط قطع اینترنت اینجا یا آنجا
نیست، بلکه ممکن است در یک لحظه عمر تمام شود؛
نمی دانیم! (وقتی اجلشان آمد لحظه ای تقدیم یا تأخیر
ندارند). (۴)

ولی ذره ذره شروع به بالا رفتن از قله می کنند و کسانی
دیگر که خود را در قله می بینند شروع به فرود آمدن از
آن می کنند تا آنجا که در اعماق، ساقط می شوند. (۳)
در زمان کنونی وضعیت متشنجی میان شیعیان
حکم فرماست؛ هر چند خود اقرار نکنند. آن ها به شدت
سرگردانند و برای ارضا و آرامش خاطر خود چاره ای
جز تقلید و اعتماد به علمای آخرالزمان نمی یابند، و
تصور می کنند با تقلید از بزرگان خود تکلیف از گردن
آن ها برداشته می شود و دیگر در قبال حوادث و مسائل
اجتماعی و سیاسی مسئول نیستند...

در چنین شرایطی، همان طور که حجت های الهی
همچون پدرانی دلسوز در مسیر هدایت امت هستند،
مؤمنان حقیقی نیز باید تبلیغ را همچون رسالتی الهی
بر دوش خود بدانند و آن حق را که از ثقلین و ملکوت
خداوند یافته اند در میان مردم نشر دهند.
شیطان برای گمراهی از تمام ابزار و ترفندها استفاده
می کند و در مسیر گمراهی امت به شدت مصمم است؛
**آیا عاقلانه است در این بحبوحه و جولانگاه شیاطین،
مؤمنان ساکت بنشینند؟**

وقت

سرمایه ات در زندگی وقت توست که بر نمی گردد؛ خیلی مهم
است؛ در زندگی هر چیزی جبران پذیر است مگر وقت؛ **محال**
است که وقت جبران شود، چون ما در هر لحظه در شمارش
معکوس به سوی مرگ هستیم. اگر همان طور که تاجر با
جدیت حساب سرمایه اش را دارد و از آن در برابر خسارت و
اتلاف محافظت می کند، بیندیشیم، خواهی دید که چقدر
درباره سرمایه زندگی، یعنی وقت کوتاهی می کنی. (۵)

او آسمانی است و فقط باید به پرواز بیندیشد...

منابع:

۱. مائده، ۳۲.
۲. کافی، ج ۲، ص ۲۱۰.
۳. کتاب گوساله، جلد دوم.
۴. اعراف، ۳۴.
۵. سخنرانی سید واثق حسینی (حفظه الله) در شامگاه عید غدیر
۱۴۴۲ ق.

غفلت را رها کنید و وقت را غنیمت شمارید...
اجازه ندهید ریشه های دنیا بر پیکرتان پیله کند!
غفلت از خداوند و پرداختن به مادیات همان هدف
شیطان است تا مجال پرواز را از آدمی بگیرد؛
مؤمن باید از مشکلات مادی و معنوی برای خودسازی
بهره ببرد و با صبر بر مشکلات و عمل در راه خداوند از
تلخی دنیای تاریک، شهد هدایت را استخراج کند.
دنیا برای مؤمن دار مکافات است؛ زیرا از جنس آن نیست!

سید احمد الحسن علیه السلام:

کسانی که مدعی حجت ها و برهان های عقلی هستند در حالی که خود، دچار اختلاف و جدایی اند،
باید بدانند که اگر آن ها به معنای واقعی عاقل بودند، دچار اختلاف و چنددستگی نمی شدند؛ چرا که
عقل، یگانه است.

(سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب گوساله، جلد دوم)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکایت علی

دامان تو

عاشقت بودن نَفَس بر جانِ بی‌جان می‌شود
آن‌که خود را بسپرد دست تو و دامان تو
خانه‌ات آرامگاه هرچه مسکین و یتیم
دانه‌های خشک هم نوشد اگر از حوض تو
با ضریحت حرف‌ها دارد دل مجنون‌صفت
ثروتی دارد ز تو دست گدای خانه‌ات
قم قداست با تو بگرفته تو‌گویی مکه است
التماس ای مهربان از بهر مهدی کن دعا

نام تو در هر دعا اسبابِ ایمان می‌شود
گرچه دد باشد ولی واللّٰه انسان می‌شود
خوش بر آن‌که در حرم امروز مهمان می‌شود
بارها بگرفته و همچون گلستان می‌شود
هرچه لیلا مثل مجنون در شبستان می‌شود
از دعایت رزق‌های کم فراوان می‌شود
زائرت گویی که از حُجّاجِ ارکان می‌شود
با دعایت او رها از غیب و زندان می‌شود

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.